

# پناهندگی ، باز تولید ناامنی دوامدار

عبدالله هروی

## سرمقاله پروژه ناکام ملت سازی در افغانستان

حفیظ الله زکی

تحت این عنوان ما بیشتر در دهه هفتاد می نوشتیم و صحبت می کردیم. هدف این بود که دلایل واگرایی ها، ناهمبندی ها و خصم پنداری ها در افغانستان به بررسی گرفته شود. در این بحث این پرسش مطرح می شد که چرا چندگانگی قومی در بسیاری کشورهای زمینه های ترقی و توسعه همه جانبه را فراهم می سازد؛ اما در افغانستان تنوع قومی و تکرر نژادی به افتراق، بیگانه پنداری و دشمنی تمام عیار منجر می شود؟

از زمان عبدالرحمن تاجیک چالش های لاینحلی در مناسبات اقوام در افغانستان وجود داشته است. تلاش های ناقصی که در برخی از دوره ها توسط حاکمان صورت گرفت به دلایل گوناگون با شکست مواجه شد. حاکمان اغلب سعی کردند استراتژی ملت سازی را بر مبنای هویت پشتوئی مبتنی سازند.

در این استراتژی سرکوب و حذف اقوام دیگر از جغرافیای کشور در اولویت قرار می گرفت و غلبه و سلطه ظالمانه یکی از اقوام بر اقوام دیگر ضروری پنداشته می شد. این استراتژی به گونه های مختلف و در دوره های گوناگون در افغانستان به مرحله اجرا گذاشته شد، اما نه تنها به حذف سایر اقوام و ملیت ها نینجامید که پتانسیل مقاومت در برابر تهاجم فرهنگ غالب را بیشتر و مستحکم تر کرد.

در دوره جدید سیاسی که قرار شد با کمک و حمایت جامعه جهانی یک دولت ملی تشکیل شود، جامعه جهانی تازگی بر شدت یک ساختار سیاسی را با مشارکت نخبگان سیاسی اقوام مختلف کشور به وجود آورد تا از طریق توافق نخبگان فرایند ملت سازی در افغانستان را امکان پذیر سازد. رسمیت یافتن اصل عدالت، برابری و تکرر قومی در افغانستان از نخستین پدیده های بود که در راستای ملت سازی و نفی برتری قومی صورت گرفت.

ملت از خود آگاهی افراد نسبت به تاریخ، فرهنگ، هویت، زبان، دین، سرزمین و سرنوشت شان به وجود می آید. بر این اساس گفته می توانیم که این خود و آگاهی جمعی تا هنوز در افغانستان شکل نگرفته است. ما دولت داریم؛ اما در درون دولت با مجموعه های پراکنده قومی، دینی و مذهبی روبرو هستیم که تا حال به خود آگاهی ملی دست نیافته اند.

از اینرو ما شاهد طرح خواسته های متضاد، ناهماهنگ و نا متجانس در کشور هستیم. این خواسته های متضاد، تنها لایه های پایینی جامعه را متأثر نمی سازد؛ بلکه رویکردهای کلان ملی را در سطوح بالای جامعه تحت تأثیر قرار می دهد. از همین نقطه است که بحران مشارکت، بحران هویت و بحران مشروعیت وسایر بحران ها در کشور شکل می گیرد و موانع و مشکلات جدیدتری را فرآوری وحدت و هنجاریستی اقوام به وجود می آورد.

تصمیمات تفرقه افکنانه و تبعیض آمیزی که از سوی سازمان ها و نهادهای دولتی آنها در شرایط شکننده کشور گرفته می شود، علاوه بر این که ناخود آگاهی و نابخردی آنها را در سطح ملی بازنمایی می کند، تفرقه، نفاق، تبعیض و بی عدالتی را نیز در کشور دوامدار می سازد.

فیصله غیر منطقی، تفرقه افکنانه و حساسیت برانگیز کمیسیون نامگذاری جاده ها در شاروالی کابل، مبنی بر تغییر نام جاده های شهید مزاری و کاتب نیز در همین آبشخور قابل تعریف است. مسئولان شاروالی از کسانی هستند که بیشترین تماس را با توده های مردمی دارند و لزوما باید بیشترین آگاهی را نسبت به علائق، باورها و حساسیت های مردم داشته باشند.

شاروالی هیچگاه نمی تواند بر خلاف خواست وارهه مردم تصمیم بگیرد. بنابراین اگر این فیصله کمیسیون رد نشود، بدون شک به یک بحران قومی دیگر منجر خواهد شد. از طرف دیگر این موضوع را نمی توان به حساب نادانی اعضای کمیسیون گذاشت، زیرا هر فردی که کمترین اطلاعی از ساحه و مردم آن داشته باشد می فهمد که چنین تصمیمی عقلایی و عملی نخواهد بود؛ پس معلوم است که دست های پنهانی در پشت این حرکات تفرقه افکنانه وجود دارد که می خواهد مناسبات سالم میان اقوام افغانستان را از بین ببرد.

حال این وظیفه سران حکومت است که نسبت به چنین امری واکنش جدی نشان دهند.

آموخته جدید بیش از پیش حایز اهمیت می باشد. متأسفانه دولت و حکومت در این زمینه علی رغم ادعاهای صورت گرفته از

این ها می باشد. در دنیای امروز مهاجرت و پناهندگی فرهنگی و اقتصادی بخش مهم از پناهندگی و مهاجرت را تشکیل

ناامنی فیزیکی و نظامی بخشی از مشکلی است که ممکن است هر شهروندی به آن دچار باشد. این که فردی در سرزمین خود

جدید یکی از جدید ترین عوامل مهاجرت دانسته می شود. رقابت کشورهای صنعتی اولیه برای به دست آوردن بازار مصرف، نیروی کار و منابع طبیعی ارزان قیمت در قرن نوزدهم به رشد فرآیند استعمار و پیدایش جنگ های جهانی اول و دوم در نیمه اول قرن بیستم به این پدیده بیش از پیش دامن زد.

علاوه بر مورد یادشده رشد انفجاری جمعیت در بسیاری از کشورهای فقیر و در حال توسعه در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به عنوان یکی از عوامل تضعیف دولت ملت ها و تداوم توسعه نامتوازن و نابرابری اقتصادی در قرن اخیر مهمترین عوامل تشدید مهاجرت های بین المللی است. چنانچه آمارهای موجود بیانگر تشدید مهاجرت های بین المللی در نیمه دوم قرن بیستم است به طوری که براساس آمارهای ارائه شده توسط سازمان بین المللی مهاجرت (IOM) در سال ۲۰۰۰ میلادی، حدود ۱۷۵ میلیون نفر از مردمان جهان خارج از کشور زادگاه شان می زیسته

اند در حالی که این رقم در سال ۱۹۶۰ تنها بالغ بر ۷۶ میلیون نفر بوده است. اما آگاهان امور و دانش پژوهان سیاسی و اجتماعی اذعان دارند که یکی از مهم ترین عامل پدیده مهاجرت و پناهندگی مسئله امنیت است. یعنی موضوع کلیدی برای بررسی پدیده و مهاجرت در هر جامعه ای مسئله امنیت می تواند بازگو کننده بسیاری از زیرمجموعه های آن دانسته شود. نبود امنیت سبب می گردد که فرد یا افرادی امن و سرزمین و خانواده و قوم خود را ترک نموده و راه فرار و دوری از آنان را انتخاب نموده و تمامی منافع و سختی ها و خطرها را به جان بخرد. فرد مهاجر و پناهنده تا به محل و مکانی که در آن احساس امنیت ننماید در تلاش و تکاپو خواهد بود تا به آن دست یابد.

نکته مهم دیگری که باید در ارزیابی مسئله مهاجرت و پناهندگی در ارتباط با مسئله امنیت قابل طرح می باشد این است که در اینجا امنیت دامنه بسیار گسترده دارد.



سوی مقام ها تاکنون هیچ گونه اقدام عملی قابل اعتماد صورت نگرفته است. در طی سیزده سال گذشته به جز از سه سال نخست یعنی از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ که شماری از مهاجران و پناهندگان افغان علاقه گرفتند تا به کشور برگردند اما از آن زمان به بعد نه تنها روند بازگشت آنان متوقف گردید بلکه جریان معکوس هم چنان ادامه یافته است. در شرایط و روزهای اخیر این روند بنا به دلیل گسترش ناامنی و ناتوانی حکومت در تأمین امنیت سیاسی و فیزیکی و نظامی و نیز امنیت اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی شدت بیشتری یافته است. تا زمانی که حکومت افغانستان بر اساس مسئولیت قانونی در تأمین امنیت همه جانبه شهروندان خود ظرفیت و توانایی و ابتکار لازم را فراهم ننماید و اعتماد پایدار را ایجاد ننماید مسئله مهاجرت و پناهندگی هم چنان بعنوان یک مسئله ملی با سرنوشت کشور و مردم ما گره خورده باقی خواهد ماند.

می دهد. برخی از کشور ها سعی دارند با فراهم ساختن شرایط مناسب و قابل اعتماد فعالان فرهنگی و اقتصادی کشورها و جامعه های دیگر را بسوی خود جلب و جذب نمایند.

با توجه به مسایل یاد شده این مسئله مهم است که حکومت ها و دولت ها چگونه و تا چه اندازه در تأمین امنیت و ثبات فیزیکی و نظامی موفق بوده و نیز امنیت فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی مردمان خود را فراهم گردانند. در افغانستان متأسفانه نه تنها در چهار دهه گذشته، بلکه هم اکنون مسئله مهاجرت و پناهندگی جزو لاینفک زندگی شهروندان افغان گردیده است. افغان ها در طی سالیان اخیر نه تنها امنیت فیزیکی و نظامی و سیاسی ندارند، بلکه از لحاظ فرهنگی و اقتصادی نیز امنیت لازم را ندارند. هم اکنون موجی عظیم از مهاجرت ها و پناهندگی های مربوط به افغان ها تعلق دارد. به فعالان فرهنگی و اقتصادی و علمی. این پدیده در نسل جدید و دانش

و تحت حاکمیت نظام سیاسی سرزمین خویش احساس امنیت ننموده و تحت تعقیب و خطر قرار داشته باشد، یا این که بنابه دلایل اعتقادی از سوی جامعه و مردم تحت فشار قرار داشته باشد، این مسئله هم در پدید آمدن موضوع مهاجرت و پناهندگی افراد یا فرد دخیل باشد.

در ادامه باید به مسئله ناامنی فرهنگی و اقتصادی اشاره کرد. شاید در برخی جوامع و یا برای بعضی از افراد مسئله امنیت فرهنگی و اقتصادی مهم باشد. کسانی شرایط فعالیت و تبارز باورها و فعالیت های فرهنگی را در جامعه و کشور خود بنابه دلایلی مناسب و قابل اعتماد نبینند و یا از سوی حاکمیت احساس اطمینان ننمایند و بستر فعالیت خویش را در سرزمین دیگر بنابه دلایلی مناسب تر تشخیص دهد.

همین مسئله در مورد فعالیت اقتصادی افراد یا فرد نیز مطرح است. در جهان امروز تنها مسئله مهاجرت و پناهندگی سیاسی مطرح نیست، بلکه ابعاد آن گسترده تر از

# دستورات و نویدهای تازه برای ارتش

عبدالرحمن فهیمی

سلاح های سنگین و راه اندازی عملیات های شبانه هستند و نیز از بابت کشتن دشمن مورد پی گرد قرار نخواهند گرفت، احتمال پیروزی را در نبردها حتمی تر می کنند.

بازرسی نموده و عملیات کنید و حق ندارید دشمن را بکشید، هر چند که او تلاش همه جانبه را برای کشتن شما به خرج می دهد، چگونه بتواند در صف ارتش تاب آورد.

در این صورت ناگزیر است به یکی از این دو گزینه تن دهد؛ کشته شدن بدون این که دستاورد خود را داشته باشد و یا وظیفه را ترک کرده و فرار کند.

بنابراین، در چنین وضعیتی، باید به سربازان ارتش آفرین گفت که علی رغم

کند و محتوای سخن اش این است که به هر پیمانیه ای که طالبان دست به کشتار زنند، شما باید با آن ها مدارا کنید.

آن زمان، این بحث در میان مردم دست به دست می شد. انگار شایعه باشد.

برخی ها تصور می کردند سربازان که جرم و جنایت مانند جنگ با هم قطاران یا خدای نکرده سرتق را مرتکب شده و محکوم به مجازات شده اند، برای این که جرم شان را کتاعان نمایند، دست به چنین شایعه سازی های می زنند و چنین

گفته اند.

در میان ولایت های شمالی ، بدخشان در مرکز توجه دشمن قرار داشته و گه گاهی یکی از این ولسوالی ها سقوط می کنند. از این نظر، گفته های رییس ستاد ارتش ملی، به موقع و مناسب می نماید.

به نظر می رسد که از سخنان جنرال قدم شاه شهیم، رییس ستاد ارتش ملی، می شود دو بحث عمده را استنباط کرد:

یکم: ناگفته های بی شمار در ارتش ملی حامد کرزی به علت تنش سیاسی با غرب و ایالات متحده آمریکا، دست کم به لحاظ سیاسی وضعیت را برای نیروهای نظامی خارجی مستقر در کشور تنگ کرده بود.

او، با گروه طالبان و موی سفیدان هم نوا با آن گروه، هم صدا شد و نیروهای نظامی خارجی را به کشتن افراد ملکی در عملیات های جنگی متهم کرد.

از این رهگسار، آن نیروها را زیر فشار سیاسی قرار داد، تا از روستاها خارج شده و دیگر در آن جا ها عملیات نظامی انجام ندهند.

ارتش ملی حکومت، نیز بی نصیب و بی بهره نماند.

محدودیت های جدی فراراه آن ها سبب کرد. کرزی دستور صادر کرده بود که نیروهای ارتش ملی، عملیات شبانه را متوقف کنند و در نبردهای که در روستاها صورت می گیرد، حق استفاده از سلاح های نسبتا سنگین را ندارند.

البته پرواضح است که گروه طالبان در میان قریه ها و روستاها پناه می گرفتند، از حمایت های خوب مردم محل بهره مند می شدند و از آن جا به نظامیان می ساختند.

در آن زمان ها گپ و گفت های مطرح بود که سربازان دلیر ارتش ملی که در میدان های نبرد مانند شیر می جنگند و دشمن را امان نمی دهند، پس از ختم جنگ، مورد بازپرسی های جدی قرار می گیرند و به گونه های متفاوت محکوم و مجازات می شوند. زندان می روند، رتبه شان تنزیل می یابد، از ارتش اخراج می شوند و هزاران پرسش از آن ها مطرح می شود. جان کلام این که به «دردر» کلان گرفتار می شوند.

یک کمی جدی تر، یکی از نمایندگان مجلس، در میزگرد زنده از زبان فرماندهان ارتش گفته بود که رییس جمهور ما را به مراعات و معاشات با طالبان دعوت می

جنرال قدم شاه شهیم، لوی درستیز، در سفر به سمت شمال کشور، از یک سو، از محدودیت های گذشته ای ارتش و برخی واقعیت های پنهان و نا گفته شده، سخن زده و پرده برداشت و از سوی دیگر، دستورات و نویدهای تازه به ارتش و سربازان فداکار مینهاد.

رییس ستاد ارتش از نبود محدودیت در استفاده از آتش توپخانه ای و عملیات شبانه در برابر دشمن سخن زد.

سخنان ایشان، جنبه دیگر نیز داشت و آن این که از این پس سربازان ارتش به علت فداکاری در میدان های نبرد زندانی نشده و مورد بازپرسی قرار نخواهند گرفت.

بهار امسال، بهار خویین و پر منازعه ای ست. گروه طالبان ولایت های عمدتا شمال را هدف



زودتر به نفع شان تغییر خواهند داد. به نظر می رسد که دستورات تازه، تلفات نظامیان را نیز متأثر خواهد کرد. پس از خروج نیروهای نظامی خارجی، میزان تلفات نظامیان ارتش و پولیس رو به افزایش بوده است.

آن هشدارها مقاومت کرده و امنیت مردم را تأمین کردند.

دوم: دستورها و نویدهای تازه دستورات تازه صادر شده، نوید بخش خوبی برای همه ارتشیان به ویژه سربازان میدان های نبرد و خطوط نخست جنگ خواهد بود. سربازان که تا به حال با دستان بسته، روحیه ای تحقیر شده و حتی در برخی موارد توهین شده - مانند انتقال جنازه یکی از قربانیان قوای مسلح در «تول بکس» موتر ۲۰۲ - می رژیمند اما حالا آزادی های لازم را دریافت کنند، بدون تردید با روحیه ای قوی تر پا را در میدان های نبرد گذاشته و دلیرانه تر دشمن را هدف خواهند گرفت.

وقت سربازان بدانند که قادر به بکارگیری

ادعاهای را مطرح می کنند.

اما حالا، وقت نگاه به سخنان رییس ستاد ارتش انداخته و مکث نماییم، در خواهیم یافت که آن گفته های قبلی شایعه نه بلکه حقیقت بوده است. به راستی سربازان دلیر ارتش، به خاطر که دشمن خون و جان خود، سردرد و برهم زندگان نظم و امنیت عمومی را از پا در آورده اند، محاکمه می شده اند.

در چنین وضعیتی، چگونه می توان انتظار داشت که ارتش حملات دشمن را در ولسوالی ها و مناطق روستایی دفع نماید.

وقت یک سرباز ارتش چنین هشدارهای را در برابرش می بیند: حق ندارید از سلاح های سنگین کار گیرید، حق ندارید خانه ها را شب هنگام

## کارتون روز



دایره خبیثه



روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کارکاتوریست: خالق علی زاده

دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی  
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان  
The Daily Afghanistan

روزنامه  
Outlook  
AFGHANISTAN  
The Leading Independent